



بیان تکثرگرایی از اثبات وجود خدا/ مغالطات به عنوان یکی از خطرات بزرگ پیش روی متفکران است

یک استاد دانشگاه آزاد در ادامه دومین کنفرانس بین المللی دین معاصر گفت: اهل ظاهر به شریعت انحصاری خود توجه دارد و به ظواهر و صور بیشتر از اهل باطن علاقه مند هستند اما اهل باطن برعکس صور و ظواهر عبور پذیر می دانند. اهل ظاهر حالت انسان وار خدا را تنها حالت او می دانند اما اهل باطن صورها را عبورپذیر می دانند.

یک استاد دانشگاه آزاد در ادامه دومین کنفرانس بین المللی دین معاصر گفت: اهل ظاهر به شریعت انحصاری خود توجه دارد و به ظواهر و صور بیشتر از اهل باطن علاقه مند هستند اما اهل باطن برعکس صور و ظواهر عبور پذیر می دانند. اهل ظاهر حالت انسان وار خدا را تنها حالت او می دانند اما اهل باطن صورها را عبورپذیر می دانند.

به گزارش خبرنگار مهر، در ادامه دومین کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر چهارمقاله با عنوانهای "الگوی توصیفی و تبیینی دانشمندان مسلمان در کثرت گرایی در اثبات وجود خدا"، "مغالطه و تعارض درونی در صراط های مستقیم"، "سنخ شناسی اصل ظاهر و اهل باطن در نظریه وحدت متعالی ادیان" و "بررسی تطبیقی حکمت تولتک های مکزیکی با عرفان اسلامی و توجه ویژه بر مثنوی مولوی مولانا" ارائه شد.

در اولین مقاله هاشم قربانی با اشاره به گرایش به پذیرش تکتک دلائل اثبات خدا عنوان کرد: این گرایش به عنوان پدیده ای فلسفی - کلامی در آثار فیلسوفان و متکلمان با رویکرد عقلی که با توصیفات متعدد گزارش شده از مواضع تکثرگرایی اندیشمندان اسلامی است.

وی ادامه داد: در این مقاله اشاراتی اجمالی به دو امر پذیرش نحوه تکثرگرایی در حیطه دلائل اثبات خدا و الگوهای توصیف شناختی تکتک ادله پرداخت شده است.

قربانی در بخش دیگری از صحبت هایش با اشاره به الگوهای توصیف شناختی تکتک دلائل اثبات وجود خدا یادآور شد: این الگوهای توصیف شناختی به چند نمونه تقسیم می شوند که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود. 1- تبعیت از الگوی ساختاری 2- الگوی تاریخی که در آثار فخر رازی یافت می شود. 3- الگوی پیشینی - تحلیلی 4- الگوی درونی - دینی 5- الگوهای مورد پژوهانه مثل برهان صدیقی که تحلیل های متنوعی در آن وجود دارد 6- الگوهای اشاره ای که از الگوهای قبلی پیروی نمی کند. وی متذکر شد: این مقاله و بررسی کثرت گرایی در اثبات وجود خدا با مراجعه به آثار فخر رازی و ملاصدرا صورت گرفته است. تبیین کارکردی فخر رازی در کتاب المطالب بیان شده است. وی در این کتاب دلائل وجود خدا را متکثر می داند و ما را به نوعی از قطع و یقین و آرامش فکری و اذعان اندیشه بر وجود خدا می رساند.

وی در پایان صحبت هایش توضیح داد: سنخ شناسی تبیین از دلائل اثبات خدا، می تواند به عنوان بخشی از برنامه کلان الگوشناسی تبیین در فلسفه دین نزد دانشمندان مسلمان مورد التفات واقع شود.

مغالطه و تعارض درونی در صراط های مستقیم

حامد طونی در دومین مقاله با اشاره به طرح شدن موضوع پلورالیسم در کتاب صراط های مستقیم نوشته عبدالکریم سروش به تعارضاتی که در این کتاب وجود دارد اشاره کرد و گفت: در این مقاله قرار است با تفحص در کتاب "صراط های مستقیم" دکتر سروش به اصطیاد مغالطاتی نائل شویم که مستتر در این کتاب است. نویسنده در این کتاب با تبیین 10 برهان در جهت اثبات پلورالیسم دینی تلاش داشته است اما به نظر من برهان های مطرح شده در این کتاب دچار تعارضات درونی است. هر 10 برهان مطرح شده به نحوی از انحاء، مغالطاتی پیدا و پنهان وجود داشته؛ ضمن اینکه مبنای برخی از این براهین در تعارض با دیگر براهان های مطرح شده و در پاره ای موارد در تناقض با مواضع پیشین دکتر سروش عنوان شده است. به عنوان نمونه وی در کتاب "اوصاف پارسایان" بسیاری از براهان هایی را که در این کتاب مطرح شده نقد می کند.

طونی در ادامه عنوان کرد: معتقدم که همواره مغالطات به عنوان یکی از خطرات بزرگ پیش روی متفکران و اندیشمندان وجود داشته و از جهتی می توان آن را همزاد با تاریخ برهان و استدلال دانست. بنابراین لازم است به تدریج زمینه های آشنایی هر چه بیشتر جامعه علمی با مسئله مغالطه و انواع آن فراهم شود و به کسانی که سهوا و ناخواسته و یا عمدا مرتکب این کار می شوند خیر خواهانه تذکر داده شود.

وی به دلیل کمبود وقت به بیان موارد مطرح شده در مقاله اش به صورت تیتروار اکتفا کرد.

سنخ شناسی اصل ظاهر و اهل باطن در نظریه وحدت متعالی ادیان

در سومین مقاله ارائه شده دکتر اکبر قربانی با اشاره به اینکه نظریه وحدت متعالی ادیان نظریه ای مابعدالطبیعه است عنوان کرد: این نظریه با دیدگاهها حصرگرایی، کثرت گرایی و شمول گرایی متفاوت است و دیدگاه چهارمی را مبنی بر وحدت متعالی ادیان مطرح می کند.

وی با اشاره به نظریات شوان در وحدت متعالی ادیان عنوان کرد: از نظر شوان، عارفان در سطح طریقت به سر می برند و اهل شریعت یا همان اهل ظاهر در سطح قرار دارند.

وی با تاکید بر منشاء الهی دین و با تمایز نهادن میان ظاهر و باطن دین یا شریعت و طریقت و با بهره مندی از مفاهیم و

کلیدهای راهگشایی همچون مطلق و نسبی تنوع ادیان را ناشی از گوناگونی وحی ها، متناسبت با ظرفیت ها و قابلیت های بشری می داند.

این عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تصریح کرد: البته شوان کاملاً به تعدد ادیان توجه دارد اما نمی خواهد به تكثر ادیان بی توجه باشد. از نظر وی شریعت و طریقت اصولاً در سطح معرفتی هستند اما محدودیت هایی که اهالی شریعت دارند باعث می شود معرفتشان به معرفت اهالی طریقت نرسد. اگر سطوح متفاوت معرفت شناختی را بپذیریم به این نتیجه می رسیم که انسانهایی هستند که نمی توانند یک دین خاص را منبع نجات بدانند و نقش بقیه ادیان را نادیده بگیرند.

وی ادامه داد: اهل ظاهر به شریعت انحصاری خود توجه دارد و به ظواهر و صور بیشتر از اهل باطن علاقه مند هستند اما اهل باطن برعکس صور و ظواهر عبور پذیر می دانند. اهل ظاهر حالت انسان وار خدا را تنها حالت او می دانند اما اهل باطن صورها را عبورپذیر می دانند.

قربانی یادآور شد: البته تمایز سنخ شناختی اهل ظاهر و اهل باطن با نظریه شوان و تاکید او بر توانایی معرفتی اهل باطن در فهم و دریافت وحدت متعالی ادیان منافاتی با زندگی دینی مومنان و سلوک معنوی پیروان ادیان ندارند.

بررسی تطبیقی حکمت تولتک های مکزیکی با عرفان اسلامی؛ و توجه ویژه به مثنوی مولوی مولانا

دکتر حسین محمودی در آخرین مقاله با اشاره به بررسی تطبیقی حکمت تولتک های مکزیکی با عرفان اسلامی درباره این رویکرد توضیح داد تولتک یکی از جریانهای مهم آمریکای جنوبی است اما ادعای مذهبی و دینی بودن ندارد و در صدد تدوین یک سیستم الهی نیست، بلکه یک حکمت عملی و اخلاقی است که راهنمایی برای سکوت اخلاقی دارد. تولتک قصد دارد بیشتر به طریقت ها نزدیک شود و به خاطر نکات اخلاقی که دارد به ادیان احترام می گذارد و در تعارض با آنها قرار نمی گیرد.

وی در ادامه ارائه مقاله اش با اشاره به 4 میثاق اخلاقی برای مهارت در دگرگونی که توسط میگوئل روئیز مطرح شده است عنوان کرد 4 میثاقی که توسط این پژوهشگر مطرح شده در نزدیکی کامل با عقاید مولانا است. این 4 میثاق عبارتند از پاک نگه داشتن کلام که همین مثال در یکی از داستانهای مولانا نیز یافت می شود. میثاق دوم این است که هیچ مدح و ذمی را به خود نگیرید چون دیگران دارند دیدگاه خودشان را بیان می کنند نه وجود حقیقی شخص روبرو را. این میثاق در کلام مولانا هم به تفصیل بیان شده است.

محمودی ادامه داد: میثاق سوم این است که تصورات باطن نکنیم و سعی کنیم واقعیات را ببینیم نه آن چیزی که به نظر می رسد درست است. مثل مولانا نیز در این زمینه همان مثل زاغی است که خودش را طاووس می بیند.

چهارمین میثاق نیز این است که همه تلاشمان را برای رسیدن به طلب انجام دهیم. به همه چیز گوش کنیم اما آن را تمام حقیقت ندانیم و جای شکی هم برای آن مطلب باقی بگذاریم. بنابراین نباید نمادها را نماینده حقیقت بدانیم. حقیقت چیزی است که در لوای ظواهر نهفته شده است.